

آیا ولایت فقیه در کنار دولت باعث تعدد مراکز تصمیم‌گیری نیست؟

۱- در نظام جمهوری اسلامی ایران، از آن‌جا که منشأ مشروعیت نظام، الهی و دینی است، اصل ولایت فقیه که برگرفته از روایات و اصول و قواعد حقوقی اسلام است، بر مجموعه‌ی قوای سه‌گانه‌ی کشور از جمله قوه‌ی مجریه و مسئولان آن اشراف و نظارت دارد تا حافظ اسلامی بودن نظام باشد. سایر قوای موجود در نظام سیاسی اسلام نیز به‌عنوان بازوان رهبری و زمینه‌ساز و مجری مقررات اسلام هستند. در چنین نظامی، هرگاه این اصل تضعیف شود و یا نادیده گرفته شود، اصل مشروعیت نظام زیر سؤال می‌رود.

۲- در اصول متعدد قانون اساسی، از جمله اصول ۱۰۷، ۵۷، ۵ و ۱۱۰ ولایت امر و رهبری نظام اسلامی ایران بر عهده‌ی فقیه عادل و با تقوی، شجاع، آگاه به زمان و مدیر و مدبر نهاده شده است.

بنابر این، جایگاه رهبری در جمهوری اسلامی ایران - شرعاً و قانوناً - جایگاهی بس رفیع و عالی می‌باشد. وجود و نظارت رهبری بر کلیه‌ی شئون نظام، موجب اسلامی بودن نظام خواهد بود.

۳- در دنیای امروز، امور مربوط به حاکمیت و حکومت تقسیم شده و هر وظیفه‌ای را به شخص خاصی می‌سپارند و نظام را بر اساس تفکیک قوا به پیش می‌برند. در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به وسعت امور سیاسی - اجتماعی ضمن به رسمیت شناختن این نظام، مسئولیت قوه‌ی مجریه را به رئیس‌جمهور و قضایه را به رئیس قوه قضایه و مقننه را به رئیس مجلس واگذار کرده‌اند تا ضمن جلوگیری از مفاسد تمرکز قدرت، این نظام کارآمدتر شده و همه‌ی وظایف و مسئولیت‌ها بر دوش رهبری نباشد.

۴- ولی فقیه از آن‌جا که نیازمند نیروهایی است که در اجرای اهداف و سیاست‌های نظام اسلامی او را کمک نمایند، وجود قوای سه‌گانه‌ی مقننه، قضایه و مجریه در نظام اسلامی، قابل‌پذیرش است و هیچ‌کدام از این قوا در عرض رهبری - یا خدای ناکرده - در مقابل آن قلمداد نمی‌شوند.

۵- مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امامت و رهبری مستمر [۱] از مبانی نظام است که در زمان غیبت - طبق اصل پنجم - بر عهده‌ی فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است.

بنابراین، ریاست دولت کسی است که معتقد به این اصول است و ولایت و حاکمیت فقیه را از دل و جان پذیرفته است و می‌داند که طبق اصل یکصد و دهم قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام و نیز نظارت بر حسن اجرای آن‌ها با رهبری است و طبق اصل یکصد و بیست و دوّم، رئیس قوه مجریه در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی بر عهده دارد، در برابر رهبر و حاکم اسلامی مسئول است و باید پاسخ‌گو باشد.

با توجه به آنچه ذکر گردید، ولی فقیه و دولت و به عبارتی رئیس دولت در نظام اسلامی، هر کدام در جایگاه خود، تعریف خاص خود را دارند و هر دو، مورد نیاز و تکمیل کننده‌ی یکدیگر هستند.

نهایتاً تعیین رئیس دولت یا همان مجری در نظام جمهوری اسلامی ایران، با رأی مستقیم مردم صورت می‌پذیرد [۲] که این امر در راستای دستور قرآن کریم، به مشورت حاکم اسلامی با مردم [۳] و نظر خواهی از آنان در انجام کارها، قابل تفسیر و تحلیل است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با انتخابات عمومی، نظر مردم به رهبر اعلام می‌گردد و رهبری با امضای حکم ریاست جمهوری نظر مردم را پذیرش می‌نماید.

پاورقی ها:

[۱]. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل دوّم، بند ۵.

[۲]. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و چهاردهم.

[۳]. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹: "و شاورهم فی الامر."